

بررسی سبک محتوایی ترانه‌های فارسی در تعامل با فرهنگ عامه

غزل کریمی سنگدهی، رضا ستاری*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

سال هجدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۳، صص ۲۷۱-۲۹۱

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7946>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: ترانه به معنای متن یک قطعه موسیقی، به این دلیل که بیشترین ارتباط را با عامه مردم دارد، از فرهنگ عامه تغذیه میکند و متقابلاً هم میتواند بر آن اثرگذار باشد. گستردگی و وسعت فرهنگ عامه بقدری است که به هر آن چه به زندگی انسان مرتبط باشد، نفوذ میکند و یا از آن اثر میپذیرد. مطالعه تحولات سبکی ترانه در کنار تحولات فرهنگ عامه، تعاملات این دو مورد را با هم آشکار میکند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ارتباط دوسویه ترانه‌سرایی و فرهنگ عامه بر سبک محتوایی ترانه‌های فارسی است و در خلال آن، به تأثیری که ویژگی‌های سبکی ترانه میتوانند بر فرهنگ عامه بگذارند نیز میپردازد.

روش‌ها: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعات و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده مورد مطالعه، ترانه‌های فارسی منشور شده از دهه ۱۳۴۰ شمسی، که سرآغاز شکلگیری جریان ترانه نوین است، تا پایان دهه ۱۳۹۰ هستند.

یافته‌ها: برخی مؤلفه‌های فرهنگ عامه، خواه ناخواه سبک محتوایی ترانه‌ها را تحت تأثیر قرار میدهند؛ مؤلفه‌هایی همچون باورها و عقاید، جشنها، رسمها و اعیاد، زبان عامه، مسائل روز و... . ترانه با بازتاب این مؤلفه‌ها، موجب ترویج و زنده نگه داشتن آنها میشود. در مقابل، ترانه نیز با تحول زبان عامه و برخی مفاهیم مانند عشق، و با ترویج ابتذال، بر فرهنگ عامه اثر میگذارد.

نتیجه‌گیری: ترانه، خود از دل فرهنگ عامه متولد میشود و تحت تأثیر تحولات گوناگون آن شکل میگیرد؛ اما طی یک چرخه ارتباطی، بار دیگر بر فرهنگ عامه اثر میگذارد و حتی میتواند یکی از عوامل پر قدرت مؤثر در تحولات فرهنگی جامعه باشد. تعامل این دو مورد با یکدیگر، به نوعی عرضه و تقاضا شباهت دارد که هرگز متوقف نمیشود.

تاریخ دریافت: ۱۶ فروردین ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۰۱ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴ تیر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

ترانه فارسی، سبک محتوایی، فرهنگ عامه، تحولات فرهنگی.

* نویسنده مسئول:

✉ umz.ac.ir@rezasatari
☎ ۳۵۳۰۲۶۶۴ (۱۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Studying the content style of Persian song lyrics in interaction with popular culture

Gh. Karimi Sangdehi, R. Sattari*

Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 05 April 2025

Reviewed: 07 May 2025

Revised: 22 May 2025

Accepted: 05 July 2025

KEYWORDS

Persian song lyric, content style, popular culture, cultural developments.

*Corresponding Author

✉ rezasattari@umz.ac.ir

☎ (+98 11) 35302664

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: A song lyric, meaning the text of a piece of music, feeds on popular culture because it has the greatest connection with the general public and can reciprocally influence it. The breadth and scope of popular culture is such that it permeates or influences everything related to human life. Studying the stylistic developments of song lyrics alongside those of popular culture reveals the interactions between the two. The aim of this research is to investigate the effect of the two-way relationship between songwriting and popular culture on the content style of Persian song lyrics, and in the process, it also addresses the impact that the stylistic characteristics of a song lyric can have on popular culture.

METHODOLOGY: The present study was conducted using a descriptive-analytical method and library studies and resources. The scope of the study is Persian song lyrics published from the 1340s, which is the beginning of the formation of the modern song movement, to the end of the 1390 decade.

FINDINGS: Some components of popular culture, affect the content style of song lyrics; components such as beliefs and opinions, celebrations, customs and festivals, popular language, current issues, etc. By reflecting these elements, the song lyric promotes and keeps them alive. In turn, the song lyric also affects popular culture by transforming popular language and some concepts such as love, and by promoting vulgarity.

CONCLUSION: The song itself is born from the heart of popular culture and is shaped by its various developments; but through a cycle of communication, it once again affects popular culture and can even be one of the most powerful factors in the cultural developments of society. The interaction of these two things with each other is similar to a kind of supply and demand that never stops.

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7946>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 4	 1

مقدمه

ترانه شعری است متشکل از ابیات مقفا و همسان از لحاظ تعداد مصراعها و هجاها که همراه با آواز خوانده میشود. ترانه را نوع جدیدی از تصنیف میدانند که به تأثیر از شیوه موسیقی غربی به وجود آمده است (انوری، ۱۳۸۱: ۱۶۸۳). کلامی منظوم که طی آن، ملاحظات برای اجرای موسیقی یا برای همراه شدن با موسیقی از پیش ساخته شده‌ای وضع میشود (قلیپور و آزادی، ۱۳۹۶: ۲۴). با توجه به تعریف ذکر شده از ترانه، مشخص میشود که در این پژوهش منظور از این واژه، ترانه به عنوان متن موسیقی است. ترانه در این معنا همچون مصداق دیگر این واژه، با فرهنگ عامه ارتباطی تنگاتنگ دارد.

بررسی ترانه در بستر پژوهشی سبک‌شناسانه، ارتقاء هنر ترانه‌سرایی را به همراه خواهد داشت؛ چرا که کاهش کیفیت ترانه‌های فارسی معاصر در لایه‌های گوناگون سبکی، نتیجه کوتاهی و کاستی در زمینه پرداختهای علمی به هنر ترانه‌سرایی است (فیروزیان، ۱۳۸۹: ۱۳۲). پرداختن به ترانه در تعامل با فرهنگ عامه که بخشی از آن به حساب میاید، نقاط ضعف و قوت این ارتباط و اثرگذاری دوسویه را آشکار میکند و میتواند گام مثبتی در جهت ارتقاء ترانه فارسی باشد.

فرهنگ عامه، دامنه‌ای گسترده دارد که شامل جنبه‌های مختلف و متفاوتی از زندگی انسانها میشود. این فرهنگ به عنوان بخشی از یک فرهنگ کل، رابطه‌ای متقابل و جدایی‌ناپذیر با زندگی اجتماعی و فردی انسان دارد، اغلب بین همه افراد یک جامعه مشترک است و از فرهنگ به اصطلاح فاخر به دور است. فرهنگ عامه، مجموعه‌ای از اعمال، افکار، احساسات و میراث مشترک زندگی اجتماعی انسانهاست که در بین عموم جامعه پذیرفته شده و رواج دارد (فاضلی، ۱۳۸۰: ۲). فرهنگ عامه همواره همراه با جامعه جلو میرود و خود را با تغییرات و تحولات آن هماهنگ و همراه میکند.

ترانه‌های فارسی با فرهنگ عامه پیوندی انکارنشدنی و ارتباطی دوسویه دارند. ترانه، خود از بستر فرهنگ عامه سر بر آورده و به دلیل همین عامیانه بودن (چه در سطح زبانی و چه در سطح فکری و مضامین)، در جامعه ادبی، پذیرش کمتری داشته است. بررسی تحولات ترانه، در کنار تحولات فرهنگ عامه، این پرسشها را ایجاد میکند که فرهنگ عامه و ترانه چگونه بر یکدیگر اثر میگذارند؟ و قدرت کدام طرف، برای تغییر طرف دیگر بیشتر است؟

پیشینه پژوهش

درباره فرهنگ عامه و ترانه به معنای ترانه‌های کار، کودکان، ترانه‌های آئینی، فولکلور و... پژوهشهای زیادی انجام شده است؛ ولی در حوزه ترانه به معنای متن موسیقی، پژوهشهای اندکی وجود دارد. هیچ یک از این پژوهشها هم بطور خاص به ارتباط بین فرهنگ عامه و ترانه و تأثیرات متقابل این دو بر یکدیگر نپرداخته‌اند. با این حال پژوهشهایی که ممکن است شباهتهایی با پژوهش حاضر داشته باشند، عبارت‌اند از:

- کتاب *ترانه‌های عامیانه* (۱۳۹۳) اثر جاوید سرایی، ترانه را نماینده فرهنگ یک ملت و بازتاب‌دهنده تغییرات تاریخی آن معرفی میکند و دگرگونیهای ترانه فارسی را منطبق با دگرگونیهای تاریخی ایران میداند. در این کتاب، تمرکز بیشتر بر ترانه‌های عاشقانه است.

- مقاله «تأثیر فرهنگ عامه بر ادبیات» (۱۳۸۹) به نگارش فاطمه کاکاوند، ادبیات هر کشور را متأثر از فرهنگ عامه آن میدانند و به بررسی میزان و چگونگی این تأثیرپذیری پرداخته است. این پژوهش، بخش بزرگی از ادبیات

ایران را که شامل ترانه‌های عامیانه، لالاییها، ضرب‌المثلها، سوگنامه‌ها و... میشود، مؤلفه‌های فرهنگ عامه معرفی میکند.

- مقاله «تحلیل و بررسی ترانه معاصر فارسی» (۱۳۹۸) به نگارش مهدی موسوی میرکلانی و ایرج مهرکی، سیر تحولات ترانه فارسی را با توجه به پیشینه تاریخی و اجتماعی آن بررسی کرده است و ترانه امروز را صمیمیتر، همه‌فهمتر و حاصل تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه معرفی میکند.

- مقاله «مطالعه جامعه‌شناختی بازنمایی هویت فرهنگی در اشعار موسیقی مردم‌پسند ایران در بین سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷» (۱۴۰۱) به نگارش آناهیتا آقاسی و همکاران، با بررسی ترانه‌های بازه زمانی مورد نظر، به این نتیجه رسیده است که هویت فرهنگی در این ترانه‌ها در بعد چرایی (ارزشهای اخلاقی، دیانت، تاریخ و...)، چیستی (جغرافیا، ادبیات و زبان، نمادها و...) و چگونگی (یکپارچگی، اسطوره‌سازی و نقاط عطف تاریخی) خلاصه میشوند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش نظری و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است و اطلاعات این پژوهش از طریق منابع کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند. محدوده پژوهش، از دهه ۱۳۴۰، تا پایان دهه ۱۳۹۰ شمسی است که از هر دهه، ۶۰ ترانه و در مجموع ۳۰۰ ترانه (به طور تصادفی) برای بررسی انتخاب شده‌اند. انتخاب این دوره زمانی به این دلیل است که دهه ۱۳۴۰ شمسی، سرآغاز جریان ترانه نوین است و پژوهش حاضر قصد پرداختن به تصنیف و دوره تاریخی آن را ندارد.

تعریفها

فرهنگ عامه

مجموعه‌ای از عقاید، آداب و رسوم، افسانه‌ها، باورها، مثلها، ترانه‌ها و... که به یک ملت خاص مربوط باشد، فرهنگ عامه نام دارد (دادفر، ۱۳۸۰: ۱۵۳). فرهنگ عامه شامل آن قسمت از مفاهیم و امور میشود که دانش عوام به حساب می‌آیند و مترادفها و معادلهای آن در زبان فارسی، اصطلاحاتی مانند فرهنگ فولکلور، فرهنگ مردم، فرهنگ توده و... هستند. فرهنگ عامه مجموعه‌ای وسیع از زیسته‌ها و تجربه‌های پیشین یک ملت است که طی سالیان درازی روی هم انباشته شده و از نسلی به نسلهای بعد منتقل شده و تغییرات کم و زیادی را هم در طی این انتقالها به خود دیده است (روح‌الامینی، ۱۳۸۸: ۸۱).

ملتها با باورها و رسوم خاص محیط و فرهنگ خود است که به حیاتشان ادامه میدهند. مطالعه آثار و عناصر فرهنگ عامه، گاهی چنان روشنگر وضع اجتماعی، سیاسی، روحی و... جوامع است که هیچ اثر مکتوبی در حوزه جامعه‌شناسی و تاریخ هم نمیتواند پرتویی این چنین بر زندگی اجتماعی مردم روزگاران گوناگون بیندازد (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۸). فرهنگ عامه اگرچه سرچشمه‌ای علمی ندارد؛ اما تجربه‌گرایی در آن حائز اهمیت است. همین تجربه‌های زیسته عناصر گوناگون فرهنگ عامه است که موجب ورود و نفوذ آنها به هنر و ادبیات میشود. بخش اعظمی از هنر و ادبیات، محصول زیست، تجربه و احساسات فردی مؤلف است. مؤلفی که نه در خلاء، بلکه در یک جامعه و فرهنگ مخصوص به آن زندگی میکند و احساسات و تجربه‌های وی با این جامعه و فرهنگ گره خورده است. بنابراین میتوان در آثار گوناگون ادبی و هنری، به وضوح رد پای فرهنگ عامه را یافت.

ترانه

امروزه در ادبیات، ترانه همچنان با دو بیتی مترادف است و در اصطلاح موسیقی، مترادف است با تصنیف، آواز و نغمه و به طور کلی در معنی اشعار ملحون به کار میرود. ترانه نوعی آفرینش هنری است که توأمان هم در جرگه ادبیات بررسی میشود و هم در هنر موسیقی به آن پرداخته میشود. در ادبیات فارسی، ترانه همیشه یک نوع ادبی در حاشیه محسوب میشد که به مرور زمان جایگاه خود را پیدا کرد و امروزه کم و بیش در میان اهل ادب پذیرفته میشود.

«از حدود سال ۱۳۳۵ به بعد بود که در موسیقی، نام ترانه با توجه به تفاوت آن با دو قالب سرود و تصنیف رایج شد» (نواب‌صفا، ۱۳۸۱: ۲۲). لفظ ترانه به مرور جایگزین تصنیف شد و در ابتدا فقط شامل آثار فرنگی مآب میشد. از دهه ۱۳۵۰ شمسی فرض بر این گذاشته شد که قطعات منطبق با نظام دستگاهی، تصنیف خوانده شوند و مابقی، ترانه به شمار بیایند (کریمی، ۱۳۹۹: ۳۳۹).

بحث و بررسی

همانطور که گفته شد ارتباط میان فرهنگ عامه و ترانه، ارتباطی دوسویه است. سبک محتوایی ترانه میتواند به همان اندازه که از فرهنگ اثر میپذیرد، بر آن اثرگذار هم باشد. چگونگی این ارتباط و حدود آن در ذیل عناوین جداگانه، در ادامه بررسی خواهند شد:

بازتاب مصادیق فرهنگ عامه در محتوای ترانه

برخی از تأثیرات فرهنگ عامه بر ترانه بسیار آشکار است و تنها بازتاب مؤلفه‌ها و مصادیق آن در ترانه‌هاست. این پژوهش در پی اثبات این نوع تأثیر و تطبیق مصادیق فرهنگ عامه با شاهده‌مآلهایی از متن ترانه‌ها نیست؛ با این حال در ادامه، تعدادی از پررنگترین و پربسامدترین این بازتابها نشان داده میشوند.

ضرب‌المثلها و اصطلاحات

فرهنگ عامه، در درون فرهنگ رسمی هر ملت، زبانی مخصوص به خود دارد که مختصات و ویژگیهای آن با زبان رسمی، تفاوتی دارد. زبان عامه، یک سری مثلها، اصطلاحات و کنایه‌های مخصوص به خود نیز دارد که در میان مردم و از زندگی آنها به وجود می‌آیند. آنها مولود دانش و اندیشه مردمی ساده، و میراثی هستند از غنای معنوی نسلهای پیشین، که زبان به زبان به نسلهای آینده میرسد (خضایی، ۱۳۸۲: ۳).

ترانه به خودی خود، اغلب به زبان عامیانه نوشته میشود و همین ویژگی، موجب ورود اصطلاحات خاص این زبان و ضرب‌المثلها و کنایه‌ها به ترانه میشود. جست و جوی نشان میدهد که این امر مربوط به ترانه‌های خاصی یا دوره‌های زمانی خاصی نیست. در تمامی دوره‌های زمانی و در انواع ترانه‌ها، حضور کنایه‌ها و ضرب‌المثلها برای ساخت مضامین و شکل دادن به سبک محتوایی و فکری دیده میشود؛ چه در ترانه‌های عامیانه یا به اصطلاح کوچه بازاری:

پیش خودت خیال کردی برام درمون هر دردی نه جونم این خبرها نیست، زیره به کرمون آوردی

(احمد آزاد، دهه ۴۰).

چه در جریان ترانه نوین:

من که سفره دلم پیش تو بازه ای که عشق تو همیشه چاره‌سازه

(منصور تهرانی، ۱۳۵۵).

چه در ترانه‌های موسوم به لس‌آنجلسی:

با من مگه نگفتی دفتر عشق یه برگه صد دفعه توبه کردی، توبه گرگ مرگه
(همایون هوشیارنژاد، ۱۳۶۴).

چه در ترانه‌های مجاز پس از انقلاب اسلامی:

اون که گذاشت و رفت، یه روز سرش به سنگ میخوره برمیگرده
(محسن یگانه، ۱۳۸۷).

چه در ترانه‌های زیرزمینی و رپ:

«با دو تا هندوانه زیر بغل، با همین جان لاغر و زردم / فکر کردم که میشود جنگید» (مزدک نطاقت، ۱۳۹۵). همانطور که ذکر شد ضرب‌المثلها و اصطلاحات عامیانه در ترانه‌های همه دهه‌ها و همه نوع ترانه‌ها دیده میشود. با این حال با توجه به اینکه از هر دهه تعداد مشخصی ترانه بررسی شده است، درصد استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثلها عامیانه در ترانه‌های هر دهه به طور جداگانه محاسبه شده است. این بررسی آماری نشان میدهد که در ترانه‌های هر دهه، چه اندازه این مؤلفه فرهنگ عامه بازتاب داشته است. جدول زیر درصدهای این بررسی را نشان میدهد که با توجه به آن، وجود ضرب‌المثلها و اصطلاحات عامیانه در ترانه‌های دهه ۱۳۶۰ بیشترین بسامد را دارد و پس از آن، در ترانه‌های دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۴۰:

۱. جدول بسامد ضرب‌المثلها و اصطلاحات عامیانه

دهه ۱۳۴۰	۳۳٪
دهه ۱۳۵۰	۱۶٪
دهه ۱۳۶۰	۴۱٪
دهه ۱۳۷۰	۱۵٪
دهه ۱۳۸۰	۳۸٪
دهه ۱۳۹۰	۲۰٪

این بسامدها حاکی از شباهتی در ترانه‌های این سه دهه است. هرچه زبان ترانه عامیانه‌تر باشد و پیوند بیشتری با فرهنگ عامه داشته باشد، بازتاب مؤلفه‌های مربوط به زبان عامه نیز در آن بیشتر میشود. در دهه ۱۳۴۰، تعداد ترانه‌های به اصطلاح کوچه بازاری که پیوند بسیار زیادی با زبان و فرهنگ عامه داشتند، بسیار زیاد بود و همین، دلیل پررنگ‌تر بودن مؤلفه‌های مربوط به زبان عامه در سبک این ترانه‌هاست. در دهه ۱۳۶۰ نیز ترانه‌های لس‌آنجلسی که خارج از کشور منتشر میشدند، چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ زبانی، تفاوت‌های چشمگیری با آثار جریان ترانه نوین در دهه ۱۳۵۰ داشتند. ترانه‌های دهه ۱۳۶۰، که اغلب در ریتم شیش و هشت اجرا میشدند، با زبانی بسیار ساده و به دور از پیچیدگیهای لفظی، بسامد بالایی از ضرب‌المثلها و اصطلاحات مربوط به زبان عامه را منعکس کرده‌اند. دهه ۱۳۸۰ نیز به سبب پیدایش ترانه‌های زیرزمینی، افراد بسیاری از میان عامه مردم به حوزه ترانه راه پیدا کردند که زبان مخصوص به خود را نیز به همراه آوردند و همین دلیلی است که در ترانه‌های این دهه نیز ضرب‌المثلها و اصطلاحات عامیانه بسامد زیادی دارند.

جشنها، اعیاد و رسمها

رسمها، عیدها و جشنهای گوناگون در مضمون‌سازیه‌ها و تصویرسازیه‌ها اغلب دست‌مایه ترانه‌سرایان هستند. تصاویر

و مضامین ساخته شده از این دست در ترانه‌ها، به زنده نگه داشتن این فرهنگها و ترویج بیشتر آنها کمک میکنند. برای مثال، ترانهٔ *شب طولانی* از علی مولایی، که در دههٔ ۱۳۹۰ به مناسبت شب یلدا پخش شد، به اندازه‌ای بین عامهٔ مردم فراگیر شد که هر سال از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها شنیده میشود. بسیاری از کاربران فضای مجازی، برای استفاده از این ترانه است که تصاویر سفره‌های شب یلدای خود را منتشر میکنند تا بخشی از متن ترانه را بر روی آنها بنویسند. این عمل و بازنشر تصاویر گوناگون از جشن یلدا و ملزومات آن، خواه ناخواه موجب تقویت و تداوم این رسم کهن میشود:

«آخ تو شب یلدای منی

دیوونهٔ دوست‌داشتنی

لبای تو رنگ اناره و هندونه شیرینیش کم میاره پیش بوسه‌های تو»

در کنار ترانه‌هایی که به طور خاص و مناسبی برای شب یلدا سروده شده‌اند، به طور کلی شب یلدا، یکی از گزاره‌های پرتکرار در ترانه‌هاست که از آن بیشتر برای ساختن مضامینی مانند تشبیه موهای معشوق به بلندی یلدا، تشبیه شبهای فراق به شب یلدا، وصف دلتنگیها در جشن یلدا، انتظار، فال حافظ و... استفاده میشود؛ مانند ترانه‌های *شب یلدا* (۱۳۵۲) از معینی کرمانشاهی، *کی/شکاتو پاک میکنه* (۱۳۷۴) از امیرفرخ تجلی، *یلدا* (۱۳۹۵) از بهمن محمدزاده و...

عید نوروز و سفرهٔ هفت سین هم از دیگر مضامین پرتکرار در ترانه‌هاست. این مضمون، منجر به خلق چند ترانهٔ محبوب و ماندگار فارسی شده که هر سال با آمدن بهار، در محافل گوناگون و در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها شنیده میشود؛ مانند ترانهٔ *کودکانه* (۱۳۵۵) از شهیار قنبری، *مهمونی بهار* (۱۳۵۶) از اردلان سرفراز، *بهار بهار* (دههٔ ۱۳۷۰) از محمدعلی بهمنی، *بهار* (۱۳۷۱) از مسعود فردمنش و...

مضمون اغلب ترانه‌هایی که در آنها سخن از عید و بهار است، در دو حالت خلاصه میشود؛ یا ترانه‌هایی غمگین هستند که ترانه‌سرا از دلتنگیها و غصه‌هایش در شب عید و لحظهٔ سال تحویل میگوید:

عمو نوروز تو این خونه تمام سال زمستونه گل و بلبل یه افسانه‌ست، فقط جفده که میخونه
(یغما گلروبی، ۱۳۹۲).

یا ترانه‌هایی شاد و پر امید که آمدن روزهای خوب را همراه با آمدن بهار نوید میدهند:

توی	لحظه‌های	تحویل	سالم	آرزو	کردم	بهرتر	شه	حالم
آرزو	کردم	با	این	فروردین	هر	جا	هستین	به عشق برگردین

(مهدی ایوبی، ۱۳۹۵).

رسمهای مربوط به ازدواج هم در ترانه‌ها بازتاب داشته است. بیشتر این ترانه‌ها، دربارهٔ جشن عروسی هستند و با ریتمی شاد خوانده شده‌اند که در جشنها و مراسم گوناگون مربوط به ازدواج استفاده شوند. ترانه‌های محبوبی مانند عروسی (۱۳۶۹) از لیلا کسری، *شاه‌دوماد* (۱۳۷۱) از سیروس آرینپور، *حلقه طلا* (۱۳۷۳) از هما میرافشار، *آقای داماد* (۱۳۷۵) از جهان‌بخش پازوکی، *عروس مهتاب* (۱۳۸۵) از فرامرز آصف و...

این ترانه‌ها معمولاً از لحاظ ادبی و زبانی کیفیت بالایی ندارند؛ گویی هدف سرایندگان آنها، تنها سرگرم کردن و شاد کردن مخاطبان بوده و به نوعی ترانه‌های مناسبی به حساب می‌آیند. با این حال، به دلیل زنده نگه داشتن و ترویج فرهنگ عامهٔ ایران در زمینهٔ آداب و رسوم ازدواج حائز اهمیت هستند. در برخی از این ترانه‌ها، به رسمهایی

مانند خواستگاری، بله‌برون، جهاز‌برون و... هم اشاره میشود؛ مانند ترانه‌های خواستگاری (۱۳۶۵) از ژاکلین، داماد (۱۳۷۸) از حسن شماعی‌زاده، نامزدمو بدین (۱۳۸۰) از سیروس علی‌آبادی و... . جدول زیر بسامدهای آماری بازتاب جشنها و رسمهای فرهنگ عامه در ترانه‌های هر دهه را به تفکیک نشان می‌دهد که بر اساس آن، بازتاب این موارد در ترانه‌های دهه ۱۳۶۰ بیشترین بسامد را دارد:

۲. جدول بسامد جشنها، اعیاد و رسمها

دهه ۱۳۴۰	۱۱٪
دهه ۱۳۵۰	۱۳٪
دهه ۱۳۶۰	۵۲٪
دهه ۱۳۷۰	۳۱٪
دهه ۱۳۸۰	۱۶٪
دهه ۱۳۹۰	۱۵٪

همانطور که پیشتر هم ذکر شد، ترانه‌های دهه ۱۳۶۰ اغلب با ریتم شاد خوانده میشوند و محتوای آنها نیز مربوط به جشن عروسی و مراسم مخصوص به آن است. علاوه بر این، هنرمندانی که از ایران مهاجرت کرده‌اند، به سبب دلتنگی برای وطن و هر آنچه به فرهنگ ایران مربوط است، بیشتر از عید نوروز و شب یلدا و جشنها و اعیاد دیگر سروده‌اند.

اعتقادات و باورها

اعتقادات یک ملت و مفاهیمی که به آن‌ها باور دارند، گوناگونی و گستردگی زیادی دارد. این بخش از فرهنگ عامه تقریباً پرنگترین بازتاب را در ترانه فارسی دارد که نشان‌دهنده تأثیرگذاری بسیار زیاد اعتقادات و باورهای عامه بر ذهن و زندگی انسانهاست. بازتاب این موارد در ترانه‌ها، هم میتواند به دلیل اعتقادات خود ترانه‌سرا باشد و هم ممکن است که ترانه‌سرا صرفاً به دلیل اعتقاد مخاطبان خود، برای برقراری ارتباط بیشتر با آنان و ایجاد درک متقابل، به آنها اشاره کرده باشد. پربسامدترین مصادیق باورهای عامیانه را که سبک محتوایی ترانه‌های فارسی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، میتوان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

- سرنوشت و تقدیر:

گریه مکن که سرنوشت، گر مرا از تو جدا کرد عاقبت دلهای ما با غم هم آشنا کرد (پرویز وکیلی، ۱۳۴۳).

با من اندوه جدایی نمی‌دانی چه ها کرد نفرین به دست سرنوشت، تو را از من جدا کرد (پرویز وکیلی، ۱۳۷۲)

این اندیشه یکی از پربسامدترین مضامین ترانه‌های فارسی است و در همه انواع ترانه‌ها هم دیده میشود. ترانه‌های عاشقانه‌ای که در آن‌ها از فراق معشوق و جدایی سخن گفته شده، بیشتر این موضوع را بازتاب میدهند؛ به این شکل که سرنوشت و تقدیر را مسبب جدایی از معشوق میدانند. این ترانه‌ها به مخاطب این ذهنیت را میبخشند که کاری از دست عاشق برنمی‌آید و باید در فراق بسوزد و بسازد.

– نذر و دعا:

در دل شب دعای من، گریه با صدای من بانگ خدا خدای من، به خاطر تو بود و بس
(جهان‌بخش پازوکی، ۱۳۶۵).

دعا میکنم تا اجابت بشه دعا میکنم چون دلم روشنه
(مجید صالحی، ۱۳۹۱).

نذر و نیاز کردم، نامه رو باز کردم نوشتی تنها موندی، میای پیشم به زودی
(بیژن سمندر، ۱۳۷۴).

مادرم سفره نذری، نذر تو نذر چشات کرد انقدر اسم تو رو برد، که دل منم صدا کرد
(علی شهسواری، ۱۳۹۰).

در اغلب ترانه‌های غمگین که ترانه‌سرا در آن‌ها از غصه، مشکل یا عشقی شکایت دارد، به فرهنگ دعا کردن یا نذر اشاره میشود. در واقع راوی ترانه، برای فرار از غمها و مشکلات خود و برای رهایی یافتن از آنها، به نذر و دعا پناه میبرد.

– غیرت و تعصب:

اونم مثل مننه و تعصب داره رو تو؟ دوست داره همه جوهره حفظ کنه آبروتو؟
(آرمین زارعی، ۱۳۸۹).

عشقت یعنی یه لحظه نیستی کفری شم یعنی زیادی غیرتی میشم نباشی پیشم
(مجید خراطها، ۱۳۹۶).

در ترانه‌های فاخر، نشانی از بازتاب مسئله غیرت و تعصب دیده نمیشود. غیرت مرد نسبت به معشوق زن در ترانه‌های عامه‌پسند بازتاب بیشتری دارد و این بازتاب، در ترانه‌های دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ بیشتر دیده میشود. علی‌رغم این که تصور میشود فرهنگ متعصبانه در عشق و روابط بین مرد و زن، در دهه‌های اخیر کمرنگتر شده باشد؛ اما به دلیل آموزه‌های تربیتی، در سطوح پایینتر جامعه، همچنان این مسئله وجود دارد. این ترانه‌ها هم از دل همان فرهنگ سر بر آورده‌اند و مخاطبان آنها بیشتر از همان سطوح و اقشار هستند.

مردانگی:

یکی از باورهای پررنگ عامیانه درباره مردان آن است که نباید گریه کنند و کسی نباید گریه مرد را ببیند. این مضمون در ترانه‌های زیادی تکرار شده است:

گریه مرد که دیدن نداره وایسادی چی رو تماشا میکنی؟
(علی ایلیا، ۱۳۹۴).

مرد برای هضم دلتنگیهاش گریه نمیکنه، قدم میزنه
(حامد عسگری، ۱۳۸۷).

علاوه بر این مورد، خود واژه مرد بار معنایی خاصی را در فرهنگ عامه به دوش میکشد؛ شکست‌ناپذیر، محکم و قوی بودن، همان تعریفی است که از مرد بودن ارائه میشود و در ترانه‌ها هم بازتاب دارد:

مٹ بچہ‌ها ہی زمین خوردم و
رو پاہای خستم بلند میشدم
کی مردونگی رو بہم یاد داد
کہ از بچگی مرد بار اومدم؟
(محسن یگانه، ۱۳۹۲).

اگرچه هیچ کس نیومد سری به تنہایت نزد اما تو کوه درد باش، طاقت بیار و مرد باش
(امیرارجینی، ۱۳۸۹).

- فال:

انواع فال در فرهنگ عامہ ایران طرفداران زیادی دارد. اغلب ترانہ‌هایی کہ مضمون فال در آن‌ها منعکس شدہ، محتوایی عاشقانه دارند. معمولاً عاشق در فال‌های گوناگون بہ دنبال نشانی از محبت معشوق میگردد:
تو رو باید از کدوم شب، از کدوم ستارہ پرسید؟ از کدوم فال و کدوم شعر پرسید و دوبارہ پرسید؟
(اردلان سرفراز، ۱۳۵۶).
پی اسم تو میگشتم تہ یک فنجون خالی دنبال یہ طرح سادہ، یہ تبسم خیالی
(نیلوفر لاری‌پور، ۱۳۸۱).

- چشم زخم و حسادت:

شاید یہ حسود چشممون زدہ بگو کی ما رو تنہایی دیدہ؟
(یاسر محمدی، ۱۳۸۵).
کی چشممون زد با ہم نباشیم؟ کی آرزو کرد از ہم جدا شیم؟
(نیما علامہ، ۱۳۹۵).
معمولاً در ترانہ‌های عاشقانه، راوی، دلیل جدایی از معشوق و تمام شدن رابطہ را چشم بد حسودان میپندارد. این اعتقاد ہم درست مانند باور بہ جبر تقدیر و اعتقاد بہ فال، بہ نوعی در سلب مسئولیت انسانها از اعمال خود مؤثر است. چنان کہ در شاهد مثالها، راویان ترانہ بدون توجہ بہ مسائل دخیل در اتمام رابطہ عاشقانه، تقصیر را بہ گردن چشم بد حسود می‌اندازند. علاوہ بر عاشقانه‌های غمگین، در ترانہ‌هایی کہ عاشق، از خوبی و زیبایی معشوق بہ وجد آمدہ ہم اشارہ بہ چشم بد و چشم زخم دیدہ میشود. در اغلب آن‌ها، عاشق دعا میکند کہ چشم بد از معشوق او دور باشد:
چشم بد از تو دور بشہ الہی چشم حسودا کور بشہ الہی
(رضا شمس، ۱۳۵۰).
جدول زیر بسامد آماری تمامی مؤلفہ‌های مربوط بہ اعتقادات و باورهای عامیانه را در ترانہ‌های شش دہہ مورد بررسی نشان میدہد:

۳. جدول بسامد اعتقادات و باورها

دهه ۱۳۴۰	۲۳٪
دهه ۱۳۵۰	۱۳٪
دهه ۱۳۶۰	۲۰٪
دهه ۱۳۷۰	۱۶٪
دهه ۱۳۸۰	۵۳٪
دهه ۱۳۹۰	۴۸٪

این درصدها حاکی از آن هستند که در ترانه‌های دو دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ بیشترین بازتاب باورهای عامیانه دیده می‌شود. این مورد به دلایلی ارتباط دارد که از تحولات اجتماعی و فرهنگی نشأت می‌گیرند. در ترانه‌های دو دهه اخیر، عشق پررنگترین مضمون است و بیشتر مؤلفه‌های مربوط به اعتقادات عامیانه در ترانه‌ها هم به عشق مرتبط هستند. عاشق به فال روی می‌آورد که سراغی از معشوق بگیرد، عاشق دست به دعا برمی‌آورد که معشوق برگردد و هجران تمام شود، در روابط عاشقانه‌ای که به پایان رسیده به دنبال کسی می‌گردند که به اصطلاح عاشقان را چشم زده باشد و حسادت کرده باشد و... بنابراین این مسائل هم به دنبال بسامد بالای محتوای عاشقانه در دو دهه اخیر، در ترانه‌ها بسیار دیده می‌شوند.

علاوه بر این، در این دو دهه، ترانه‌سرایان از قشر خواص جامعه نیستند و اغلب آنان به واسطه رشد چشمگیر ترانه‌های غیرمجاز و زیرزمینی، خود از عامه مردم هستند و به همراه خود فرهنگ مخصوص به طبقه اجتماعی‌شان را به ترانه آورده‌اند.

– بازتاب مسائل روز

مسائل و اتفاقات گوناگونی که در روزمره جامعه پیش می‌آیند و در زندگی مردم عامه تأثیر می‌گذارند، گاهی به سطح محتوایی ترانه‌ها هم وارد می‌شوند. این مسائل بسیار متنوع هستند و شامل تصمیمات سیاسی و اجتماعی، رویدادهای فرهنگی، هنری و ورزشی، کالاهای پدیده‌ها و... می‌شوند. برای مثال، در دهه ۱۳۸۰ شمسی که استفاده از تلفن همراه بسیار فراگیر شد، تحول بزرگی در سبک زندگی ایرانیان ایجاد شده بود. تأثیر تلفن همراه بر فرهنگ عمومی مردم به قدری زیاد بود که جزئیات آن در ترانه هم منعکس شد:

درسته پول ندارم، ولی خب دل که دارم خط ثابت ندارم، ولی ایرانسل که دارم
(امیرحسین مقصودلو، دهه ۱۳۸۶).

اس ام اس میزنم جواب نمیدی بگو کلک واسم چه خوابی دیدی؟
(امیررضا طاری، دهه ۱۳۸۰)

سیمکارت‌های اعتباری در دهه ۱۳۸۰، در مقابل سیمکارت‌های ثابت و دائمی، با قیمت ارزانی که داشتند، عامل دستیابی عامه مردم به تلفن همراه بودند. در شاهد مثال اول، از سیم‌کارت ایرانسل نام برده می‌شود و همین که ترانه‌سرا از آن به عنوان یکی از داراییهای خود نام می‌برد، نشان‌دهنده جدید و ارزشمند بودن این پدیده برای مردم است. در مثال بعدی، اس ام اس دادن در ترانه مطرح می‌شود که در آن زمان، راه ارتباطی جدیدی در رابطه‌های عاشقانه محسوب می‌شد. یا انعکاس اتفاق ساده‌تری در ترانه که تبریک نوروزی اوباما، رئیس جمهور آمریکا است.

اوباما در دهه ۱۳۸۰ شمسی، در انتهای پیام تصویری خود، به زبان فارسی، نوروز را به ایرانیان تبریک می‌گوید. این اتفاق، عامه مردم را بسیار هیجانزده کرده بود:

«کاری کردی که بیاد و فارسی حرف بزنه اوباما» (ساسان حیدری، ۱۳۸۸).

حتی سریال کره‌ای بسیار پر بیننده در ایران که با نام شخصیت اصلی آن، جومونگ، معروف شده بود هم، چنان تأثیری در فرهنگ عامه داشت که به ترانه راه پیدا کرد:

«از جومونگی بگم که شده سمبل رشادت» (یاسر بختیاری، ۱۳۹۰).

جام جهانی، یکی از رویدادهای ورزشی بسیار مهم برای ایرانیان است. سالهایی که تیم ملی ایران در جام جهانی حضور پیدا کرد، به قدری برای عامه مردم هیجان‌انگیز و مهم بود که ترانه‌های زیادی برای آن سروده و منتشر شده است. این ترانه‌ها علاوه بر ایجاد شور ورزشی، به تقویت روحیه میهن‌دوستی و غرور ملی هم کمک می‌کنند؛ مانند ترانه‌های *ما بچه‌های / یرونیم* (۱۳۸۴) از آرش لباف، *دروازه‌های دنیا* (۱۳۹۲) از روزبه بمانی، *یازده ستاره* (۱۳۹۶) از احسان افشاری و

جدول زیر بسامد آماری بازتاب مسائل روز در ترانه‌های شش دهه مورد بررسی را به تفکیک نشان می‌دهد و همانطور که انتظار می‌رود، ترانه‌های دو دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ در این باره بیشترین بسامد را دارند:

۴. جدول بسامد بازتاب مسائل روز

دهه ۱۳۴۰	۸٪
دهه ۱۳۵۰	۱۴٪
دهه ۱۳۶۰	۱۲٪
دهه ۱۳۷۰	۷٪
دهه ۱۳۸۰	۴۲٪
دهه ۱۳۹۰	۳۹٪

دهه ۱۳۸۰ به سبب دگرگونیهای گسترده چه در سیاست، چه در فرهنگ و هنر و به طور کلی جامعه ایران، مضامین تازه‌ای در اختیار ترانه‌سرایان قرار گرفته بود. مضامینی که پیشتر در ترانه‌های فارسی به این شکل و شدت وجود نداشت. به وجود آمدن فضایی که از طریق تلفن همراه و اینترنت در اختیار عامه مردم قرار گرفته بود، موجب تجربه‌های جدیدی در این زمینه و همچنین در زمینه روابط عاشقانه شده بود که ناگزیر در ترانه هم منعکس میشد. این تجربه‌ها و همچنین سبک جدیدی از ترانه‌سرایی که در ایران تحت عنوان ترانه غیرمجاز به وجود آمده بود، تا دهه ۱۳۹۰ هم ادامه پیدا کرد. هرچند برخی از این مضامین در هر دو دهه تکرار شده‌اند، اما ترانه‌های هر دهه، در مضمون سازی از بازتاب مسائل روز، منحصر بفرد و خاص همان دهه است.

بازتاب مسائل روز در ترانه‌ها مربوط به یک دوره خاص هستند و در دوره‌های بعد اغلب دیگر رواج ندارند، مطرح نمیشوند و قدرت اثرگذاری خود را از دست می‌دهند. ترانه‌هایی که این موارد را منعکس می‌کنند، به نوعی تاریخ مصرف دارند و شنیدن آنها در همان دوره زمانی جالب است. ممکن است در دوره‌های بعد، مخاطبان حتی متوجه اشاره ترانه به آن مورد خاص نشوند و یا آن را درک نکنند. این نوع ترانه‌ها که از مسائل روز حرف می‌زنند، یادآور تصنیف‌های عامیانه و به اصطلاح خیابانی دوره قاجار هستند؛ برای مثال تصنیف *گرانی نان*، *تیر خوردن ناصرالدین*

شاه، به پول خروس و... این تصنیفها هم به طور جدی انتقادی و سیاسی نبودند و بیشتر جنبه تفننی و سرگرمی داشتند که در آن‌ها به مسائل روز هم اشاره میشد. موارد نام برده تنها مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگ عامه نیستند. گستردگی و تنوع این فرهنگ به قدری زیاد است که حتی کوچکترین بخشها و فعالیتهای زندگی عامه مردم را هم در بر میگیرد. در این جا سعی بر آن بود تا تنها پربسامدترین بازتابهای مصادیق فرهنگ عامه در ترانه نام برده شوند.

تأثیر ترانه بر فرهنگ عامه

موارد اثرگذاری ترانه بر فرهنگ عامه، متناسب با تحولات این فرهنگ و به طور کلی تحولات جامعه در طول دهه‌های مختلف است. این گونه نیست که ترانه به خودی خود، فرهنگسازی کند و طی یک ارتباط یک طرفه، تنها بر فرهنگ عامه اثر بگذارد. - جز در مواردی خاص که ترانه‌هایی به قصد اثرگذاری در مخاطب در طی جریان‌های خاص سیاسی و اجتماعی سروده شده باشند. - در بیشتر مواقع، ترانه‌سرا قصد فرهنگسازی ندارد و از نتیجه و تأثیر ترانه خود بر عامه مردم آگاه نیست. او خود تحت تأثیر فرهنگی که در آن زیست میکند، ترانه میسراید. غافل از آن که توأمان در حال پرورش و بسط دادن همان فرهنگ است. در ادامه تعدادی از تأثیرات مهم ترانه بر فرهنگ عامه ذکر میشوند:

رواج ابتذال

در سالهای دهه ۱۳۹۰ شمسی، ترانه‌هایی که محتوای آنها درباره مشروبات الکلی، سیگار، مواد مخدر، مسائل و روابط جنسی است، بسامد بسیار زیادی دارند. این موارد به خودی خود سر از ترانه در نیآورده‌اند و ترانه‌سرایان آنها، برای فرهنگسازی در خصوص این موارد، تصمیمی جمعی نگرفته‌اند. بی‌شک تحولات جامعه و فرهنگ، زمینه طرح این مسائل را در ترانه فراهم کرده است. تحول آموزه‌های تربیتی و نوع تربیت فرزندان، دسترسی آسان و همگانی به فضای مجازی و رسانه‌های متنوع، آشنایی نوجوانان و جوانان با سبکهای گوناگون زندگی، ارتباط مستقیم با فرهنگ غرب، کمبود محتوای مناسب جوانان و عدم موفقیت رسانه‌های تربیتی کشور در جذب مخاطب و... همه این موارد موجب تحول نوع تفکر و سبک زندگی نوجوانان و جوانان این دهه نسبت به دهه‌های قبل شده است و مواردی که پیشتر در جامعه و فرهنگ عامه، تابو محسوب میشدند، دیگر به مسائلی عادی و رایج بدل شده‌اند.

ترانه‌سرایان جوان در همین شرایط و در همین تحول فرهنگی زندگی میکنند. برای آنان سخن گفتن از مسائل جنسی یا مواد مخدر در ترانه امری عادی است. آنان اغلب با قصد و نیت خاصی این مضامین را مطرح نمیکنند و ترانه‌هایشان، همچون آینه‌ای، در حال انعکاس سبک زندگی واقعی خودشان است. این افراد البته معمولاً ترانه‌سرایانی جدی نیستند، خوانندگانی هستند که به این دلیل که سبک و محتوای مورد نظرشان را در سروده‌های ترانه‌سرایان نمی‌یابند، برای خود ترانه میسرایند:

«منم سیگارمو کشید میام، بهش برسونم عرق سگی...» (بهزاد داوورپناه، ۱۳۹۲).

«اون موهای فرت لا دست کیه رام شدی زود

اون چشای کیه بهش خیره و مات شدی

تو بغل کی افتادی،» (وانتونز، ۱۳۹۴).

«دافت نخ میدہ پایہ بلند، میپیچہ واسم گل ناب هلند» (سهراب مصطفوی، ۱۳۹۸).

«بریز تا ته بشه گیلای پر و خاطرات بد تو پاک کن» (بهزاد داورپناه، ۱۳۹۸).

انعکاس این مسائل در ترانه، تنها مختص ترانه‌سرایان جوان و نسل جدید نمی‌شود؛ ترانه‌سرایان قدیمی‌تر نیز به هدف جذب مخاطبان نوجوان و جوان امروز، ترانه‌هایی از این دست منتشر می‌کنند و به نوعی سعی دارند تا هم‌رنگ جماعت بشوند. البته این ترانه‌ها اغلب خط قرمزهای جامعه و حدود اخلاقی را رعایت می‌کنند، محتوای آن‌ها خیلی هم تابوشکنانه نیستند و از لحاظ ادبی و زبانی، کیفیت بالاتری دارند:

منو پک میزنی آروم، خرابم میکنی از سر رژ لب روی ته سیگار، تن من زیر خاکستر
(رستاک حلاج، ۱۳۹۱).

روح سرگردونم، گلای ایوونم

حتی چوب سیگارم، فندک تبارم

دوس دارن برگردی

خندۀ غمگینم، پلکای سنگینم

الکل تو خونم، خونۀ زندونم

دوس دارن برگردی

(محسن چاووشی، ۱۳۹۶).

ترانه‌های تابوشکنانه اغلب جزو ترانه‌های غیرمجاز، زیرزمینی و یا ترانه‌های منتشر شده در خارج از کشور هستند. به دلیل شکاف بسیار زیاد میان رسانه‌ها و سیستم مجاز کشور با جوانان امروز و نبود هیچ گونه محتوای متناسب با روحیات جوانان و مورد پسند آنان، سیر صعودی جذب مخاطب به ترانه‌های غیرمجاز، با شتاب و سرعت بسیار بیشتری پیش می‌رود و اکنون دیگر این ترانه است که اثر می‌گذارد. ترانه‌ای که خود متأثر از فرهنگ تحول‌یافته سروده شده، حالا همان فرهنگ را بیش از پیش ترویج می‌کند. این ترانه‌ها شنیده می‌شوند، از حیطه و دایره نوجوانان و جوانان عبور می‌کنند و به گوش کودکان و افراد مسن‌تر هم می‌رسند. محتوای تابوشکنانه این ترانه‌ها به اندازه‌ای برای همه سنین و اقشار جذاب است که به سرعت محبوب می‌شوند و نه تنها در خانواده‌ها، بلکه حتی در مدارس و سیستم آموزش و پرورش هم شیوع پیدا می‌کنند و پخش می‌شوند.

شنیده شدن و رایج شدن این ترانه‌ها، یعنی شکلگیری فرهنگی جدید در جامعه مردم. فرهنگی که در آن نوشیدن مشروبات الکلی و مصرف انواع مواد مخدر و قرصها رایج و عادی است و مسائل جنسی و واژه‌ها و فحشهای مربوط به آن تابو محسوب نمی‌شوند. البته ترانه تنها عامل ترویج و بسط این فرهنگ نیست؛ اما بدون شک به دلیل انتشار ساده‌تر و سریع‌تر میان جامعه مردم و در دسترس تر بودن، یکی از تأثیرگذارین عوامل به حساب می‌آید.

این گونه مضامین تنها مختص به ترانه‌های دهه ۱۳۹۰ نیستند. در دهه ۱۳۸۰ هم محتوایی این چنینی در ترانه‌ها وجود داشتند؛ اما نه به این گستردگی و همه‌گیری. اغلب تنها میان گروه جوانان و نوجوانان شنیده می‌شدند و هنوز قبح و تابوی این گونه مسائل در کلیت جامعه شکسته نشده بود. در دهه ۱۳۸۰ به طور کلی تنوع سبکهای موسیقی بسیار زیاد است. این سبکهای جدید مورد قبول حاکمیت نبودند، برای فعالیت، مجوز دریافت نمی‌کردند و تولیدکنندگان این آثار دیگر پروای سانسور و قوانین دریافت مجوز را نداشتند. به همین دلیل، آزادانه محتوای مورد نظر خود را بیان می‌کردند. محتوایی رها از قید و بندها، معترض، جسور و بی‌پروا؛ درست همان صفاتی که نسل جوان دهه ۱۳۸۰ برای کسب آنها تلاش می‌کرد. نسلی که در دهه ۱۳۸۰ معمولاً از روی شرم یا ترس، به

صورت پنهانی از خانواده و والدین، طرفدار چنین ترانه‌هایی بودند و در دهه‌های بعد، خود والدینی شده‌اند که ترانه‌هایی را با محتوای بسیار مبتذلتر همراه با کودکانشان زمزمه می‌کنند. همین مسئله خود نشان‌دهنده تأثیر انکارنشده ترانه بر فرهنگ عامه است.

به طور کلی، ابتذال همیشه برای عامه مردم جذابتر است و اگر قرار باشد تأثیرات ترانه بر فرهنگ عامه، از لحاظ مثبت یا منفی بودن بررسی شود، وزنه تأثیرات منفی سنگینتر خواهد بود. وقتی ترانه‌ای خوانده می‌شود که کودکان و نوجوانان را مخاطب قرار می‌دهد و آنان را به ابتذال تشویق می‌کند، نشان می‌دهد که چقدر این مسائل در جامعه عادی شده‌اند. به اندازه‌ای که ترانه‌سرا و خواننده، از شنیده شدن ترانه‌شان حتی در میان این گروه سنی هم اطمینان دارند:

«سلام گلای تو خونه، محصلای نمونه
قول بدین حرفای دکتر یادتون بمونه
همیشه قبل خواب دو تا شات بزن و راحت بخواب
همیشه یادتون باشه اول اینستا بعد کتاب
تا وقتی بزرگ شدین، قشنگ شدین، ژل زدین
تا وقتی پلنگ شدین و با بیست نفر رل زدین...»
(ساسان حیدری، ۱۳۹۸).

ترانه فوق که اتفاقاً بسیار هم در میان عامه مردم شنیده شد، به شکل مستقیم و کاملاً علنی، ابتذال را ترویج می‌کند؛ توصیه به پرهیز از مطالعه، تشویق به مصرف مشروبات الکلی، عملهای زیبایی، روابط جنسی بی‌قید و بند و متعدد... این ترانه و ترانه‌های مشابه، تأثیراتی بر ذهن کودکان و نوجوانان در انتخاب سبک زندگی‌شان می‌گذارد که در کنار عوامل دیگر، به مرور موجب تحول فرهنگ عامه در این زمینه‌ها می‌شود. (چه بسا سرعت و قدرت اثرگذاری عوامل به قدری زیاد است که بهتر است بگوییم موجب تحول فرهنگ عامه شده است.) البته همانطور که ذکر شد، اغلب ترانه‌سرایان از تأثیر آثار خود بر عامه مردم آگاه نیستند و به قصد فرهنگسازی، ترانه منتشر نمی‌کنند. چنان که ساسان حیدری پس از حواشی و اعتراضات پیش آمده در پی تولید این ترانه، در ویدیویی از صفحه اینستاگرام خود به معترضان پاسخی داد که نشان از عدم آگاهی وی از اثر و نتیجه فعالیت‌هایش دارد:

«مثلاً اگه به خواننده بیاد بگه برید دزدی کنید، دزدی خیلی خوبه، برید جیب بری کنید، جیب بری مطلوبه، همه فردا دزد میشن بچه‌ها؟ آره؟ میرن جیب‌بری؟ سرانۀ مطالعه کشور از دیشب اومده پایین یعنی؟ به خاطر اون به بیت من؟ خیلی خوبه اگه این جوریه! خوب اگه این جوریه آقا برید کتاب بخونید. بچه‌ها مشروب هم نخورید. به اون بچه‌هایی که تحت تأثیر قرار میگیرن بگید عمو ساسی گفت برید درس بخونید» (صفحه آپارات، ۱۳۹۹).

این پژوهش با علم به این که ترانه به طور مستقل و به خودی خود مروج ابتذال در جامعه و فرهنگ عامه نیست، ابتذال را یکی از تأثیرات آن برمی‌شمارد.

تحول مفهوم عشق

نوع نگاه به مفهوم عشق و باورهایی که درباره آن در فرهنگ عامه ایران وجود دارد، در مرور سالها دگرگون شده است. این دگرگونی در چند دهه اخیر بسیار پررنگ شده؛ به گونه‌ای که تفاوت باورها و نگاهها به مفهوم عشق، با

دهه‌های پیشین کاملاً مشهود است. در این زمینه هم ترانه به اندازه‌ی توان خود به عنوان یک عامل مؤثر، دستی در دگرگونیها داشته است.

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و حتی ۱۳۶۰ شمسی، عشق در ترانه‌ها، اغلب به عنوان یک مفهوم مقدس و فارغ از ابعاد جسمانی و جنسی تصویر و توصیف شده است؛ شبیه به تصویری که از عشق در سبقه‌ی تاریخ ادبیات فارسی وجود دارد. عشق و دوست داشتن در این ترانه‌ها بیشتر با از خود گذشتگی و فدا کردن منافع فردی و مادی همراه است:

اگه حتی بین ما فاصله یک نفسه، نفس منو بگیر
برای یکی شدن، اگه مرگ من بسه، نفس منو بگیر
(شهیار قنبری، ۱۳۵۷).

اگه رو حصیر بشینم، اگه هیچ نداشته باشم با تو من مالک دنیام، با تو در نهایت من
با تو انگار تو بهشتم، با تو پر سعاتم من دیگه از مرگ نمیتروسم، عاشق شهامتم من
(ژاکلین، ۱۳۶۱).

چنان که از شاهد مثال‌ها هم پیداست، در این ترانه‌ها، عشق برای عاشق، بسیار عزیز، محترم و مقدس است. عاشق از خودش میگذرد، نگاهی به مادیات ندارد، جسم و زیباییهای ظاهری معشوق مورد توجه نیست و عاشق، وفادار و قانع است. این ترانه‌ها، بی‌شک در پرورش این نوع نگاه به مفهوم عشق اثر گذارند و این اثرگذاری در زمان تولید اثر بیشتر هم بوده است. این نگاه به عشق البته در دوره‌های بعد هم وجود دارد، اما دیدگاهی که پرنگتر و پرسامدتر است و مخاطبان بیشتری به خود جذب میکند، به عنوان نگاه غالب در نظر گرفته میشود. برای مثال در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، مضمونی که در ترانه‌های عاشقانه بسیار پررنگ است، این باور است که عاشق باید در جفا و فراق معشوق بسوزد و بسازد. عشق در ترانه‌های این دوره بیشتر با رنج، گریه و غصه همراه است و در میان عامه‌ی مردم این باور را در تعریف و درک عشق، ترویج میکند:

هیچی نپرس فقط برو، ولی فراموشم نکن شمع و آب میشم به پات، برو و خاموشم نکن
اگه یه روز ورق زدی دفتر خاطراتو یادت بیاد قلب منو، میشینه چشم به راه تو
(محسن یگانه، ۱۳۸۴).

رفتی و چشمای خیسم یادگاری از تو مونده بی‌وفاییات هنوزم تو رو از دلم نرونده
چشم به راه تو میمونم تا که برگردی دوباره میتروسم وقتی که نیستی دل من طاقت نیاره
(مجید خراطها، ۱۳۸۵).

در دهه ۱۳۹۰ اما، در عشق، مسائل جسمانی و جنسی بیشتر مورد توجه قرار میگیرند و قداست مفهوم عشق از بین میرود. عاشق فقط به ظواهر و جسم معشوق دل میبندد و این احساس، به اصطلاح دم دستی و بی‌حرمت میشود:

«همه‌ی پسرا تو گفتن، تو نخ دامن و پیرهنتن
منم که دنبال جیگرتم، تو دلم مونده بود اینو بگم»
(آرش لباف، ۱۳۹۵).

«صدبار، چپ راست،

بالا و پایینشو چک کردم، چقد خوبه ابعاد

... سفتیم و چفت مث لولای در

عجب چیزیه خدای من»

(حسین موسوی، ۱۳۹۰).

وقتی غالب ترانه‌های عاشقانه یک دوره، یک نوع مضمون خاص را تکرار میکنند، بدون شک در کنار عوامل دیگر، به مرور زمان، در نوع نگاه به عشق و در تعریفی که از آن در فرهنگ عامه وجود دارد، اثر میگذارد و آن را دگرگون میکند.

تحول زبان عامه

همان‌طور که فرهنگ عامه در سطح زبان بر ترانه تأثیر میگذارد و برخی از مثلها و اصطلاحات آن به ترانه وارد میشوند، ترانه هم به نوبه خود میتواند در سطح زبانی، بر فرهنگ عامه اثرگذار باشد. این تأثیرگذاری در حالتها و اشکال مختلف رخ میدهد. در حالت اول، برخی ترانه‌ها به اندازه‌ای در جامعه شنیده و محبوب میشوند که قسمتی از آنها به زبان عامه وارد میشود و کارکردی شبیه به ضرب‌المثل پیدا میکند. البته این اتفاق گاهی ماندگاری ندارد و جملات وارد شده به زبان عامه، به مرور زمان، همراه با خود ترانه فراموش میشوند و کارکردشان را از دست میدهند ولی در بیشتر مواقع، حتی اگر خود ترانه فراموش شود، جملات معروف آن، در زبان ماندگار میشوند. جملاتی مانند:

«زن ایرونی تکه» (بی‌نام، ۱۳۶۳)، «فقط به خاطر تو» (پاکسیما زکی‌پور، ۱۳۷۸)، «مشکی رنگ عشقه» (رضا صادقی، ۱۳۸۲)، «خوشگلا باید برقصن» (پاکسیما زکی‌پور، ۱۳۸۴)، «دنیا دیگه مثل تو نداره» (فرید احمدی، ۱۳۸۵)، «همه چی آرومه، من چقد خوشحالم» (حمید طالب‌زاده، ۱۳۸۸)، «عشقای قبل از تو سوءتفاهم بود» (مونا برزویی، ۱۳۹۱)، «نباشی دوستانم هستن» (بهزاد داورپناه، ۱۳۹۲) و...

بسیاری از این جملات که در زبان عامه همانند یک مثل جا افتاده‌اند، بخش بسیار کوچکی از یک ترانه هستند که گاهی حتی به اندازه یک مصراع هم نمیشوند. این جملات بقدری در زبان و فرهنگ عامه نفوذ کرده‌اند که حتی ممکن است بسیاری، اصل ترانه را نشنیده باشند، اما این جملات به گوششان خورده باشد و از آنها استفاده کنند. حالت دیگری که ترانه میتواند بر زبان و به دنبال آن بر فرهنگ عامه اثر بگذارد، استفاده از زبانهای بیگانه است. در این حالت، باز هم ترانه خود تحت تأثیر تحولات فرهنگ عامه است که از زبانهای بیگانه، (به طور خاص زبان انگلیسی) استفاده میکند. اما تکرار استفاده از کلمات انگلیسی در ترانه‌های گوناگون، این اتفاق را بین عامه مردم عادی سازی میکند. کلمات انگلیسی روز به روز بیشتر از قبل در زبان عامه مردم ایران جای باز میکنند و به جای کلمات فارسی به کار میروند. اتفاقی که یکی از عوامل ترویج آن، بدون شک ترانه است:

«امشب کجا میرم و با کدوم اکیپیم؟» (بهزاد داورپناه، ۱۳۹۲).

«یکی میخوای باشه فن تو» (تی ام بکس، ۱۳۹۸).

«رل میزنن هفته‌ای دوبار، بعد برنامه همگی شمال» (مترونوم، ۱۳۹۷).

در این مثال‌ها، واژه اکیپ، فن و رل به ترتیب به معنای گروه، طرفدار و رابطه هستند، واژه‌هایی که از زبان انگلیسی به زبان فارسی وارد شده‌اند و در زبان عامه بسیار هم رایج و پرکاربرد شده‌اند.

تأثیرگذاری آگاهانه و فرهنگسازی

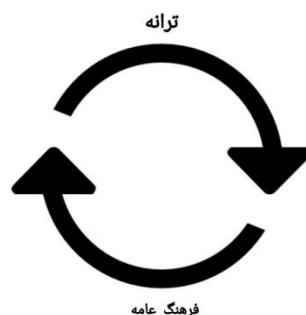
تا این جا به تأثیراتی که اغلب به صورت ناآگاهانه و ناخودآگاه اتفاق می‌افتند اشاره شد؛ اما باید گفت که همیشه هم این گونه نیست. ترانه به طور کلی یکی از ابزارها و رسانه‌های فرهنگسازی دولت است که در شرایط خاص، از آن برای ترویج اندیشه‌های گوناگون استفاده میکند. در این حالت، ترانه‌سرایان کاملاً آگاهانه یک مسئله را در ترانه‌های خود تکرار میکنند و به آن می‌پردازند که به گوش عامه مردم برسد. واضحترین مثال برای این موضوع، ترانه‌های مربوط به جنگ در دهه ۱۳۶۰ ایران هستند. در این ترانه‌ها، دفاع از میهن، حفظ خاک کشور و مفهوم شهادت، ارزش‌گذاری میشوند. اغلب، مبارزه رزمندگان علیه دشمن، به مبارزه شهیدان کربلا تشبیه میشود، یا به رزمندگان وعده محصور شدن با شهدای کربلا داده میشود. عامه مردم هم با شنیدن آن‌ها، احساساتی و ترغیب میشوند. طی این فرهنگسازی، — که البته همه‌اش برعهده ترانه نیست — مسائلی که تا پیش از آن، اهمیتی در ذهن مردم نداشتند و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بودند، ارزش و اهمیت پیدا میکنند. این ارزش‌ها چنان در گوشت و پوست و خون مردم جامعه وارد میشوند که از تمامی اقشار و تمامی سنها برای دفاع از آن‌ها به پا می‌خیزند:

باشید با هم متحد یاران و انصار حسین رو سوی ارض کربلا آرید زوآر حسین
هستید جمله آرزومندان دیدار حسین ای عارفان وی عاشقان آماده باش، آماده باش
(حبیب‌الله معلمی).

به کربلای ما بیا برادرم کن گذر ولوله مبارزان شور دلیران نگر
جان و سر و وجود خود فدای قرآن کنیم ما به جوار کبریا با شهدا میرویم
(همان).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعامل و ارتباط ترانه و فرهنگ عامه با یکدیگر غیر قابل انکار است. هم ترانه و هم فرهنگ عامه در زمینه‌های گوناگون دائماً در حال تغییر و تحول هستند و دائماً هم بر یکدیگر اثر می‌گذارند. عوامل متعدد زیادی در تغییر فرهنگ عامه نقش دارند که ترانه یکی از آنهاست. عاملی که خود از دل فرهنگ عامه به وجود می‌آید، مخاطبان آن عامه مردم هستند و به راحتی و به سرعت در دسترس همه اقشار جامعه قرار می‌گیرد. در تعامل بین فرهنگ عامه و ترانه، نوعی عرضه و تقاضا وجود دارد. عوامل متعددی به شکلی ناخودآگاه، تقاضای مطرح شدن مضامین جدید را در ترانه دارند که یکی از آن عوامل، فرهنگ عامه است. مضامین جدیدی که در ترانه‌های هر دوره مطرح میشوند هم، خواه ناخواه خواستار تحولاتی در فرهنگ عامه میشوند و به این صورت، نوعی چرخه ارتباطی شکل می‌گیرد که نشان می‌دهد این دو مورد توأمان هم در حال اثرپذیری از یکدیگر هستند و هم در حال اثرگذاری بر یکدیگر. بنابراین مرز میان این ارتباط و اثرگذاری‌ها بسیار باریک است؛ چنان که در مواردی نمیتوان تشخیص داد که قدرت کدام طرف، برای تحول طرف دیگر سنگین‌تر بوده و یا کدام یک از طرفین متأثر است و کدام یک اثرگذار:



شکل ۱. تعامل ترانه و فرهنگ عامه

ترانه و فرهنگ عامه طی هر اثرگذاری بر یکدیگر، به روزرسانی میشوند و به نسخه جدیدی از خود تبدیل میشوند. برای مثال اگر فرهنگ عامه به سمتی برود که یک مورد خاص در آن رواج پیدا کند، این رواج، به ترانه هم وارد میشود و موجب تحول در سبک و نوع یا محتوای ترانه‌ها میشود. تکرار این مورد خاص در ترانه‌ها و شنیده شدنش توسط اقشار و سنین مختلف جامعه، آن را بیش از پیش، به شکلی اغراق شده‌تر و حتی گاهی همراه با دگرگونی‌هایی، در فرهنگ عامه جا می‌اندازد و در واقع آن مورد خاص را به نسخه بالاتر و جدیدتری از خودش، به روزرسانی میکند. این چرخه مدام در تعامل بین فرهنگ عامه و ترانه تکرار میشود که به تعدادی از پررنگترین نتایج آن، طی بازه زمانی مورد نظر، در این پژوهش اشاره شده است؛ نتایجی همچون: ورود برخی از مؤلفه‌های فرهنگ عامه به ساحت ترانه، مانند باورها و عقاید، رسمها، جشنها و اعیاد، زبان عامه، مسائل روز و... که بازتاب آنها در ترانه، نتیجه تأثیر و نفوذ فرهنگ عامه است؛ اما همین بازتابها خود منجر به زنده نگه داشتن این مؤلفه‌ها و ترویج بیشتر آنها هم میشوند.

مورد دیگر، رواج مسائلی همچون مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مواد مخدر، روابط جنسی، دشنامها و واژه‌های جنسی-که به طور کلی میتوان مجموع آنها را ابتذال نامید-، تحول نوع نگاه به مفهوم عشق و تحولاتی در زبان عامه در ترانه‌ها است که خود کم و بیش متأثر از تحولات جامعه و فرهنگ عامه هستند و به شکلی تقویت شده‌تر بار دیگر توسط ترانه در فرهنگ عامه رایج میشوند.

مشارکت نویسنندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه مازندران استخراج شده است. جناب آقای دکتر رضا ستاری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم غزل کریمی سنگدهی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش

تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aghasi, A., et al. (2022). A sociological study of the representation of cultural identity in Iranian popular music lyrics (2013–2018). *Social-Cultural Strategy Journal*, 11(43), 407–433.
- Anvari, H. (2002). *Sokhan Grand Dictionary [Farhang-e Bozorg-e Sokhan]*. Tehran: Sokhan Publishing.
- Khazraei, A. (2003). *Dictionary of Iranian Proverbs and Sayings [Farhangname-ye Amsal va Hekam-e Irani]*. Shiraz: Navid Publishing.
- Radfar, A. (2001). Manifestations of popular culture in Persian literature. *Nameh-ye Farhang*, (39), 153–158.
- Rouh al-Amini, M. (2009). *Foundations of Cultural Anthropology [Zamineh-ye Farhang Shenasi]*. 9th ed. Tehran: Attar Publishing.
- Saraei, J. (2014). *Folk Songs [Taranehaye Amiyaneh]*. Tehran: Moj Publishing.
- Fazeli, N. (2001). Popular culture and Persian folk literature. *Ketab-e Mah-e Honar*, (39–40), 82–85.
- Firouzian, M. (2010). A Stylistic Analysis of Hossein Monzavi's Lyrics. *Journal of Persian Style and Literature (Bahar-e Adab)*, Vol 3, No 4 (8), 131–148.
- Gholipour, H., & Azadi, R. (2017). *Linguistics of Song Lyrics [Zaban Shenasi-ye Taraneh]*. Tehran: Ijaz Publishing.
- Kakavand, F. (2010). The influence of popular culture on literature. *National Conference on Persian Literature and Interdisciplinary Research*, Islamic Azad University, Parand Branch.
- Karimi, S. (2020). *A Study of the Popular Music Movement in Iran [Jaryanshenasi-ye Mosighi-ye Mardom Pasand-e Iran]*. Tehran: Mahris Publishing.
- Mousavi Mirkalaei, M., & Mehraki, I. (2019). Analysis and review of contemporary Persian song lyrics. *Studies in Persian Lyric Literature*, 9(33), 71–80.
- Mahjoub, M. J. (2003). *Iranian Folk Literature*, ed. by H. Zolfaghari. Tehran: Cheshmeh Publishing.
- Navab Safa, E. (2002). *Tasnif, Taraneh and Sorood*. *Farhang-e Esfahan*, (25–26), 22–27.
- Aparat website. (2020). *Sasy's response to Pouya [Javab-e Sasi be Pouya]*. Retrieved from <https://www.aparat.com/v/6y9xi>

فهرست منابع فارسی

آقاسی، آناهیتا و دیگران. (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی بازنمایی هویت فرهنگی در اشعار موسیقی مردم‌پسند ایران در بین سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷. *مجله راهبرد/اجتماعی فرهنگی*، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۴۳۳–۴۰۷.

انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.

خضرائی، امین. (۱۳۸۲). *فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی*. شیراز: نوید.

- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). جلوه‌های فرهنگ عامه در ادبیات فارسی. *نامه فرهنگ*، شماره ۳۹، صص ۱۵۳-۱۵۸.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۸). زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی. چ نهم، تهران: عطار.
- سرای، جاوید. (۱۳۹۳). ترانه‌های عامیانه. تهران: موج.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۰). فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی. *کتاب ماه هنر*، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۸۵-۸۲.
- فیروزیان، مهدی. (۱۳۸۹). سبک‌شناسی ترانه‌های حسین منزوی. *فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۱۴۸-۱۳۱.
- قلی‌پور، حسین. و آزادی، روزبه. (۱۳۹۶). زبان‌شناسی ترانه. تهران: ایجاز.
- کاکاوند، فاطمه. (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ عامه بر ادبیات. *همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند.
- کریمی، سعید. (۱۳۹۹). جریان‌شناسی موسیقی مردم‌پسند ایران. تهران: ماهریس.
- موسوی میرکلائی، مهدی. و مهرکی، ایرج. (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی ترانه معاصر فارسی. *مطالعات زبان و ادبیات غنایی*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۸۰-۷۱.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۲). ادبیات عامه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- نواب‌صفا، اسماعیل. (۱۳۸۱). تصنیف، ترانه و سرود. *فرهنگ‌گنجینه‌ها*، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۲۷-۲۲.
- منبع اینترنتی: صفحه آپارات، apararat.com/v/6y9xi - جواب ساسی به پویا.

معرفی نویسندگان

غزل کریمی سنگدهی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(Email: ghazal.mrga@gmail.com)

(ORCID: 0009-0004-3922-7760)

رضا ستاری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(Email: rezasattari@umz.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-5390-2230)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ghazal Karimi Sangdehi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

(Email: ghazal.mrga@gmail.com)

(ORCID: 0009-0004-3922-7760)

Reza Sattari: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

(Email: rezasattari@umz.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-5390-2230)